

Shiite Studies

March 2023, Vol. 9, No. 23, 267-289

## Examining the Claims of Mansour Hashemi Khorasani about Paving the Way for Emergence<sup>1</sup>

Fatemeh Molla Shahi<sup>2</sup>

Hoseyn Elahinejad<sup>3</sup> Mohammad Jawedan<sup>4</sup>

(Received on: 2022-05-09; Accepted on: 2023-02-15)

### Abstract

The prolonged absence of Hazrat Hojjat (Imam Mahdi AS) and his unavailability has caused false claimants to exploit this issue in various dimensions and create problems. Therefore, one of the most important measures at this time is to identify these claimants and fight against them in all fields. In the present era, a person named Alireza Babaei Arya, known as "Allameh Mansour Hashemi Khorasani" has raised claims and introduces himself as the cause of the emergence of Mahdi (AS). He urges people to turn away from the current governments with the slogan "Return to Islam", calling the governments invalid, tyrannical and barrier to emergence. Also, he considers anyone who opposes him to be a hindrance to the emergence and warns that he will remove them from his path if possible. He makes his claims by referring to weak hadiths, resorting to the signs of emergence and interpreting them on himself. This research examines and criticizes these claims in a descriptive and analytical way.

**Keywords:** Mansour Hashemi Khorasani, Mahdism, Black Flags, Paving the Way for Emergence, Seyyed Khorasani.

---

1. This article is taken from: Fatemeh Molla Shahi, «Investigating the Grounds of Abuse of Mahdism Teachings by Contemporary Imami Claimants (Research Case: Mansur Hashemi Khorasani)», 2023, PhD Thesis, Supervisor: Hoseyn Elahinejad, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.

2. PhD Student of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author), mollashahif@yahoo.com.

3. Associate Professor, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran, h.elahinejad@isca.ac.ir.

4. Associate Professor, Department of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, javdan@urd.ac.ir.

## بررسی ادعاهای منصور هاشمی خراسانی در زمینه سازی ظهور<sup>۱</sup>

فاطمه ملاشاهی<sup>۲</sup>

حسین الهی نژاد<sup>۳</sup>

محمد جاودان<sup>۴</sup>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶]

### چکیده

طولانی شدن غیبت حضرت حجت (ع) و در دسترس نبودن ایشان موجب شده است مدعیان دروغین در ابعاد مختلف از این موضوع سوء استفاده کنند و مسائلی به وجود آورند. از این رو یکی از مهم ترین اقدامات در این برهه، شناسایی و مبارزه با این مدعیان در ابعاد مختلف است. در عصر حاضر، فردی به نام علی رضا بابایی آریا، تحت عنوان «علامه منصور هاشمی خراسانی» دعاوی ای مطرح کرده و خود را زمینه ساز ظهور مهدی (ع) می داند. وی با شعار «بازگشت به اسلام» و با باطل و طاغوت شمردن حکومت های فعلی و مانع ظهور دانستن آنها، مردم را به روی گردانی از این حکومت ها ترغیب می کند. همچنین، هر کس را که با وی مخالفت کند مانعی از موانع ظهور می داند و هشدار می دهد که در صورت تمکن یافتن، آنها را از سر راه خویش برخواهد داشت. وی با استناد به احادیث ضعیف و توسل به علائم ظهور و تأویل آنها بر خویشتن، ادعاهایش را مطرح می کند. این پژوهش به شیوه توصیفی تحلیلی، این ادعاها را بررسی و نقد می کند.

**کلیدواژه ها:** منصور هاشمی خراسانی، مهدویت، رایات السود، زمینه سازی ظهور، سید خراسانی.

---

۱. این مقاله برگرفته از: فاطمه ملاشاهی «بررسی زمینه های سوء استفاده از آموزه های مهدویت توسط مدعیان امامی معاصر (مورد پژوهشی: منصور هاشمی خراسانی)» رساله دکتری، استاد راهنما: حسین الهی نژاد، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران ۱۴۰۲ است.

۲. دانشجوی دکتری شیعه شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)، Mollashahif@yahoo.com

۳. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران، h.elahinejad@isca.ac.ir

۴. دانشیار شیعه شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، javdan@urd.ac.ir

## مقدمه

انتظار ظهور منجی، باوری اصیل، کهن و ارزشمند در بسیاری از ادیان است؛ این اندیشه در مهندسی فکری شیعه نیز از ساختاری محکم و اصیل برخوردار است و جایگاهی بس رفیع در آیات (الصالحی، ۱۴۳۰: ۱۲۱/۱؛ معرفت، ۱۳۸۷: ۲۷؛ دانش‌نامه امام مهدی، ۱۳۹۳: ۱۰۱/۲؛ صادقی، ۱۳۹۹: ۲۰۷) و احادیث معتبر فریقین (الصالحی، ۱۴۳۰: ۱۲۱/۱؛ ملکیان، ۱۳۹۹: ۶۱) دارد. در واقع، ظهور منجی، طلوعه‌ای است امیدبخش و انگیزه‌دهنده برای بشر تا آینده پیش رویش را تماماً تیره و تار نبیند.

در این میان، دوران قبل از ظهور منجی موعود، فضا و بستری مهم برای آماده‌سازی فردی و اجتماعی در جوامع منتظر و معتقد به شمار می‌رود. به سبب اهمیت این موضوع، ائمه هدی (ع) پیش‌بینی‌هایی مبنی بر ظهور مدعیان دروغین کرده‌اند، و راهکارهایی برای شناخت سره از ناسره و راست از دروغ بیان کرده‌اند. کلینی در کافی و نعمانی در الغیبه، با ذکر احادیثی از معصومان (ع)، کسانی را که زمان ظهور را معین می‌کنند، تکذیب کرده‌اند (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۸؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۳۶۸/۱؛ صادقی، ۱۳۹۹: ۲۱۶). حضرت مهدی (ع) هم در توقیع خویش به آخرین نایب، امکان ملاقات با خویش را در زمان غیبت کبری غیرممکن دانسته‌اند (ابن بابویه، ۱۳۵۹: ۵۱۶/۲). البته مجلسی اگرچه در بحار الانوار این خبر را ضعیف می‌داند، اما تأکید می‌کند که این رؤیت‌ناپذیری منوط به ادعای وکالت و نیابت و خبرآوردن از امام برای شیعیان است (مجلسی، بی‌تا: ۳۱۹/۵۳؛ برای اطلاع بیشتر نک: دانش‌نامه امام مهدی، ۱۳۹۳: ۱۷۹/۵).

علی‌رغم این تدابیر، بودند افرادی که به شیوه‌های گوناگون ادعای ارتباط با حضرت مهدی (ع)، نیابت خاصه (مانند محمد علی شلمغانی و محمد بن نصیر)، باییت (مانند علی محمد شیرازی (باب))، یا حتی مهدویت (مانند مهدی سودانی، محمد بن تومرت، یا غلام احمد قادیانی) کردند و در این بین توانستند عده‌ای را گرد خود جمع کنند و موجب تألم و تعدی و

در مواقعی جنگ و کشتار در میان مسلمان‌ها، به ویژه شیعیان، شوند (جعفریان، ۱۴۰۰: ۲۴۴، ۲۵۵، ۲۸۷، ۳۰۱؛ کورانی عاملی، ۱۳۹۹: ۱۱۷۱، ۱۱۸۳؛ اسحاقیان، ۱۳۸۸: ۱۱۹؛ پاک، ۱۳۸۵: ۱۵۳؛ رائین، ۱۳۵۷: ۱۲۸ و ۱۲۹).

از میان این مدعیان، کسانی هم متهّد بودند و با ادعای زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر (عج)، اذهان عمومی را به خود متوجه کردند؛ این‌گونه مدعیان با سوءاستفاده از علائم ظهور عموماً خود را خراسانی یا یمانی یا سید حسنی می‌نامند. این جریان‌ها در دوره‌های اخیر عموماً در عراق یا کشورهای دیگر شکل گرفته و با ادعای نزدیک بودن ظهور به جمع سپاه برای امام عصر (عج) اقدام کرده، یا خود را زمینه‌ساز قلمداد کرده‌اند. محمود الصرخی، حیدر مشتت القحطانی و احمد اسماعیل در این دسته از مدعیان جای دارند (گزیده دانش‌نامه امام مهدی، ۱۳۹۷: ۳۹۰/۱؛ محمدی هوشیار، ۱۴۰۰: ۴۳ و ۱۱۴).

یکی از این جریان‌های انحرافی معاصر، جریان منسوب به شخصی با نام «منصور هاشمی خراسانی» است. نام واقعی اش علی‌رضا بابایی آریا، متولد ۱۳۶۳ و دانشجوی اخراجی دانشگاه فردوسی مشهد در مقطع دکتری الهیات است که بعد از اخراج از دانشگاه به استان کابل افغانستان رفت (محمدی هوشیار، ۱۳۹۹: ۴۳؛ همو، ۱۳۹۷: ۱۳) و در آنجا با نوشتن کتبی مانند بازگشت به اسلام، مناهج الرسول، هندسه عدالت، و کلم الطیب به اشاعه آرای خویش مشغول شد و از سال ۱۳۹۳ از طریق فضای مجازی دعوت و فعالیت می‌کند. او مدعی است که زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی (ع) است؛ در کتاب بازگشت به اسلام معتقد است اسلام راستین از موضع و جایگاه اصیلش منحرف شده و فقط اوست که می‌تواند آن را به جایگاه حقیقی‌اش برگرداند. او مدعی است پیش‌تر، ابومسلم خراسانی این کار را انجام داده، اما به خطا رفته است. لذا می‌خواهد خودش آن را محقق کند، چنان‌که می‌گوید: «پس ترسیدم که اگر به انتظار بنشینم، کسی مانند او [منظور ابومسلم است] از جایی سر بر آورد و اشتباه او را تکرار کند... پس خواستم که



از این فتنه جلوگیری کنم و میدان را از چنین کسانی بگیرم» (هاشمی خراسانی، ۱۳۹۷ الف: ۲۷۸). همچنین، وی وعده نزدیک شدن زمان ظهور را می‌دهد و مردم را به خود دعوت می‌کند، چنان‌که در کلم الطیب و سُبل السلام می‌گوید: «ای برادران و خواهران مسلمان! بدانید که جهان به پایان خود نزدیک شده و آخرالزمان فرا رسیده و سپیده وعده‌ها بردمیده است» (همو، ۱۳۹۷ ج: ۱۸؛ همو، ۱۳۹۸: ۸۷).

به هر روی، این جریان هر از چندگاهی ادعاهایش را تبلیغ می‌کند. در این تحقیق می‌کوشیم برخی از مهم‌ترین مطالب انحرافی کتاب‌های منصور هاشمی را بررسی و نقد کنیم. هدف اصلی از این پژوهش مصونیت و باورداشت آموزه مهدویت در جامعه و افزایش معرفت درباره این موضوع است تا مردم کمتر به دام مدعیان دروغین بیفتند و دچار آسیب نشوند.

ضروری است با نگاه صحیح به مسئله ظهور از انحرافات، کج‌روی‌ها و فرقه‌سازی در این حوزه جلوگیری شود. با توجه به اینکه جامعه هدف منصور هاشمی، قشر جوان و تحصیل‌کرده است، زمینه بصیرت‌افزایی جوانان ضرورت دوچندان پیدا می‌کند. این تحقیق به روش توصیفی تحلیلی و به شیوه کتاب‌خانه‌ای در صدد است به این پرسش پاسخ دهد که: منصور هاشمی خراسانی، مدعی زمینه‌سازی ظهور در عصر حاضر، برای توجیه ادعاهایش چه مطالبی را مطرح می‌کند؟

### ۱. پیشینه تحقیق

درباره ادعاهای منصور هاشمی خراسانی و بررسی و نقد آنها دو کتاب از علی محمدی هوشیار با نام‌های پرچم‌های تاریکی و توهم بازگشت نگاشته شده که فقط بخشی از ادعاها را بررسی و نقد کرده است؛ اما در حد بررسی‌های انجام‌شده مقاله و پژوهش مستقلی در این باره نگاشته نشده است.

## ۲. زمینه‌سازی ظهور

منصور هاشمی خراسانی سه ادعای متفاوت در آثارش مطرح می‌کند؛ در جایی مدعی است که دعوت‌کننده به مهدی است و صراحتاً می‌گوید: «من نداکننده‌ای پیش روی مهدی هستم که ندا می‌کنم: راه را باز کنید» (هاشمی خراسانی، ۱۳۹۷ ب: ۱۵۲؛ همو، ۱۳۹۸: ۹۰) و در جای دیگر مدعی است: «امام مهدی (ع) از من است و من از امام مهدی (ع) هستم» (همو، ۱۳۹۷ ب: ۷۶). در جای دیگر، خود را نه فرستاده مهدی، بلکه فرستاده‌ای از سوی خدا می‌داند تا موانع ظهور را برطرف کند، چنان‌که مدعی است:

من فرستاده‌ای از جانب خداوند هستم برای زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی (عج): خداوند بنده‌ای از بندگانش را از جایی که آفتاب می‌دمد برانگیخت با حکمت و اندرز نیکو، تا عهد او را به یاد آنان آورد، و آنان را به سوی خلیفه‌اش در زمین از عترت و اهل بیت پیامبرش دعوت کند، باشد که آنان بازگردند، و آن بنده من هستم، پس دعوتم را اجابت کنید و به سوی مهدی باز گردید تا گناهانتان آمرزیده شود» (همو، ۱۳۹۷ ج: ۴۶؛ همو، ۱۳۹۷ ب: ۵۵).

گفتار هاشمی خراسانی که در بالا ذکر شد، اهمیت بسیار دارد، چراکه وی ادعا می‌کند نه از طرف امام غایب، بلکه از سوی خود خداوند مأمور به انجام این کار شده است. از این رو می‌بینیم که وی مردم را، نه به امام زمان، بلکه اغلب، به خویش دعوت کرده و خود را زمینه‌ساز ظهور معرفی می‌کند و مدعی است که مخالف وی، مانع ظهور است (همو، ۱۳۹۷ الف: ۲۷۵)؛ و صراحتاً می‌گوید: «من به سوی طلب اعانت و اطاعت به سوی مهدی دعوت می‌کنم و تبعاً هر کس دعوت مرا بپذیرد تضمینی بر تضمین‌های لازم برای ظهور افزوده است و هر کس دعوت مرا نپذیرد مانعی بر موانع موجود برای ظهور او افزوده است» (همان). نیز می‌گوید «من اگر در زمین تمکن یابم، آنان را به سزای عملشان خواهم رساند؛ چراکه برداشتن آنان از سر راه مهدی، بر هر مسلمانی که متمکن از آن باشد، واجب است» (همان: ۲۵۶).

وی در راستای ادعاهایش در کتاب مناہج الرسول خود را هم‌شان با حضرات ائمه (ع) دانسته و مخالفت با خویشتن را مخالفت با اهل بیت (ع) قلمداد کرده است؛ چنان‌که پس از نقل حدیث ثقلین در پاسخ به پرسش «محمد بن ابراهیم شیرازی» نامی، این‌گونه ادعا می‌کند: «عرض کردم: چگونه با اهل بیت دشمنی می‌کنند در حالی که تشیع می‌ورزند؟! فرمود: با من دشمنی می‌کنند در حالی که من به سوی اهل بیت دعوت می‌کنم، پس با اهل بیت دشمنی می‌کنند» (همو، ۱۳۹۷ ب: ۹۴).

گذشته از اینها، در جای دیگر، وی این اقدام رانه از جانب امام عصر (عج) و نه از جانب خدا، بلکه بنا بر تشخیص و اراده شخصی خودش قلمداد می‌کند (هاشمی خراسانی، ۱۳۹۷ الف: ۲۷۸). عجیب‌تر آنکه در کلم الطیب به گونه‌ای دیگر سخن می‌گوید و با فراموشی ادعاهایش، خود را فقط و فقط فردی مصلح معرفی می‌کند که قصد برپاداشتن اسلام حقیقی را دارد (همو، ۱۳۹۷ ج: ۳۶).

### بررسی و نقد

سخنان منصور هاشمی که بدانها اشاره شد، تناقضات آشکاری دارد، و نشان می‌دهد که بیان‌کننده تدریجاً ضمیر ناخودآگاه و نیت غایی اش را در لابه‌لای کلمات و جملات آشکار کرده است. در واقع، می‌توان گفت در اصل ادعا، که به زعم خودش منشأ اصلی انگیزش او به این کار است، دچار تناقض و تهافت است، چراکه یک بار خود را مأمور از جانب خدا (همان: ۴۶)، بار دیگر مأذون از جانب امام عصر (عج) (همو، ۱۳۹۷ ب: ۱۵۲ و ۷۶؛ همو، ۱۳۹۸: ۹۰)، و دیگر باره قیام به امر دعوت را بنا بر تشخیص و نظر شخصی خودش می‌داند (همو، ۱۳۹۷ الف: ۲۷۸)؛ و البته حائز اهمیت است که در تمامی اینها خویشتن را زمینه‌ساز ظهور معرفی می‌کند.

علاوه بر تناقض فوق، صاحب این ادعا، برای اثبات اصل مدعایش، که همان زمینه‌سازی ظهور و برگزیده شدن برای این کار است، نه تنها هیچ سند و دلیل قابل قبولی ارائه نمی‌کند، بلکه اطاعت صرف مردم از مدعیاتش را نیز از واجبات و لازمه دعوتش برمی‌شمرد و منکران

را مانع ظهور مهدی می‌داند. حال آنکه وی در پرسش و پاسخ شماره چهار، در جواب سؤالی درباره مدعیان در عصر حاضر صراحتاً می‌گوید: «کسی نمی‌تواند به چیزی که حجتی از عقل و شرع برای آن وجود ندارد معتقد شود یا عمل کند» (۳۰۱۶/www.alkhorasani.com/fa/content).

### ۳. موانع ظهور و رفع آن

از دیگر مباحثی که منصور هاشمی خراسانی بدان پرداخته و آن را دستاویزی برای رسیدن به اهدافش قرار داده، بیان مصادیق اموری است که، به زعم او، از موانع اصلی ظهورند و باید مرتفع شوند. وی در بیانی، مردم را عامل و مانع ظهور مهدی می‌داند و در واقع به نظرش این امر برآمده از اراده الهی نیست، بلکه رفتار مردم است که ظهور را به تأخیر می‌اندازد. لذا مردم موظف‌اند این مانع را به دست خویش برطرف کنند (هاشمی خراسانی، ۱۳۹۷ الف: ۲۳۶-۲۴۰). وی معتقد است ظهور حضرت، به معنای استیلای او بر زمین، نتیجه حمایت کافی مردم از اوست و ظهور او به معنای دسترسی مردم به آن حضرت (ع) نیز دست‌کم به فراهم کردن امنیت کافی برای او نیاز دارد؛ در حالی که تأمین آن بدون تأمین نفر، مال و سلاح کافی برای عموم ممکن نیست. از این رو چاره‌ای جز حمایت از او پیش از ظهورش وجود ندارد (همان: ۲۷۵). همچنین، صراحتاً می‌گوید: «حاکمان کنونی در زمین به اعتبار آنکه از جانب خداوند گماشته نشده‌اند، دانسته یا نادانسته از جانب شیطان گماشته شده‌اند و حکومت آنان در راستای تحقق سلطه او بر جهان است» (همان: ۱۳۳).

در واقع، به زعم او، کسانی از مسلمانان که در سرزمین‌های اسلامی مانند عراق، سوریه، افغانستان، ایران، به سوی حاکمیت خود دعوت می‌کنند و رؤیای خلافت اسلامی را در سر می‌پروراند، بی‌گمان در ضلالتی آشکارند. از اینجا دانسته می‌شود که هیچ‌یک از جنبش‌ها و حکومت‌های فعلی در جهان اسلام مشروعیت ندارند و تنها راه مسلمانان برای بازگشت به اسلام، روی گرفتن از آنها و زمینه‌سازی برای جنبش و حکومت کسی از اهل بیت پیامبر

است، که خداوند او را از جانب خویش منصوب کرده و به پیروی اش فرمان داده و این کاری است که با شناخت او حاصل می‌شود (همان: ۱۲۵ و ۱۲۶).

### بررسی و نقد

در نقد موضوع فوق، یعنی موانع ظهور و رفع آن، باید توجه داشت که درباره وظایف مردم در دوران غیبت، گفتارهای متناقضی وجود دارد، چنان‌که احادیثی در این خصوص به ایجاد حکومت اسلامی در عصر غیبت اشاره می‌کنند (برای بررسی و تحلیل این احادیث، نک: دانش‌نامه امام مهدی، ۱۳۹۳: ۱۹/۶) و احادیث دیگری به وجوب تقیه و کناره‌گیری از امور سیاسی فرمان می‌دهند (برای بررسی و تحلیل این احادیث، نک: دانش‌نامه امام مهدی، ۱۳۹۳: ۱۹/۶؛ کورانی عاملی، ۱۳۹۹: ۴۹۳ و ۴۹۴).

همچنین، یکی از نقدهای وارد بر موضوع تأثیر عوامل بیرونی، همچون اجتماع یاران خاص در یک زمان مشخص یا دیگر عوامل همچون مانع ظهور بودن مردم و...، این است که خداوند ظهور امام را متوقف بر هیچ موضوعی نکرده است و این فقط از مجرای اراده الهی است که مقدر خواهد شد و نیازمند فراهم شدن اسباب نیست. در واقع، «ظهور زمانی دارد که شتاب‌زدگان و کراهت‌کارهان آن را جلو و عقب نمی‌اندازد» (کورانی عاملی، ۱۳۹۹: ۴۳۹). لذا در اینجا منصور هاشمی با سوءاستفاده از موضوعاتی که در بالا ذکر شد، مردم را به سوی خویش می‌خواند و بدون اقامه دلیل در اصل موضوع، نیت تشکیل حکومت را در سر می‌پروراند؛ چنان‌که در عبارتی که قبلاً ذکر شد، وعید می‌دهد که مخالفانش را بعد از تمکن یافتن، یعنی داشتن قدرت نظامی و سیاسی، در زمین به سزایشان خواهد رساند (هاشمی خراسانی، ۱۳۹۷ الف: ۲۵۶).

البته وی برای این منظور تشکیلات فرقه‌ای و سازمانی ایجاد کرده و از پیروانش وزیر اطلاعات، وزیر جنگ و... انتخاب کرده است؛ جالب‌تر اینکه، ارتباط این افراد به صورت مخفیانه و سری است و از این طریق نیز به جذب نیرو و ارتباط با اعضا اقدام می‌کنند

(محمدی هوشیار، ۱۳۹۹: ۴۴-۴۵). جالب آنکه در ادعایی شگرف در کتاب سبل السلام می‌گوید: «کیست که ده هزار تن را برای من تضمین کند تا من ظهور مهدی را برای او ضامن شوم؟!» (هاشمی خراسانی، ۱۳۹۸: ۹۰).

اقدام فوق زمانی بهتر فهمیده می‌شود که بدانیم وی حاکمان سرزمین‌های اسلامی را اهل ضلالت و گماشته شیطان می‌داند و مدعی است که این حکام، مشروعیت حکومت را ندارند و باید کسی از اهل بیت پیامبر را به رهبری برگزینند (همو، ۱۳۹۷ الف: ۱۲۶-۱۲۵). همچنین، باید توجه داشت که درستی یا نادرستی حکومتی اسلامی را، که در بالا بدان اشاره شد، نه با بیان و خطابه، بلکه با استناد به قرآن و سنت نبوی و بحث و استدلال عقلی باید تعیین کرد؛ زیرا اختلاف فتاوا و استنباط‌های فقهی، هیچ گروهی را پیرو شیطان و گمراه نمی‌کند. حال آنکه خود منصور هاشمی هم نه ادله‌ای متقن بر ضلالت و گمراهی حکومت‌های اسلامی اقامه می‌کند و نه بر، حق بودن و اسلامی بودن حکومت آتی خویش؛ فقط به این بسنده می‌کند که چون او از جانب خدا یا امام زمان (ع) فرستاده شده، و دیگران چنین نیستند پس او بر حق است و حاکم الهی محسوب می‌شود! لذا می‌گوید:

چنان‌که روشن شد، حاکمیت برای خداوند است و حاکمیت آنان، اگرچه با حسن نیت باشد، خلافت اسلامی شمرده نمی‌شود؛ با توجه به اینکه خداوند آنان را از جانب خود منصوب نکرده و مسلمانان را به پیروی از آنان فرمان نداده است و آنان خود به این واقعیت، واقف و معترف‌اند. با این وصف، تصرّفات آنان در زمین و مرزبندی‌هایی که در آن می‌کنند، عدوانی است؛ ... از اینجا دانسته می‌شود که هیچ یک از جنبش‌ها و حکومت‌های فعلی در جهان اسلام، مشروعیت ندارد (همو، ۱۳۹۷ الف: ۱۳۳).

حتی وی ادعا را از این هم فراتر برده و با دلایل خویش (که البته مصداقی برای کلی‌گویی‌هایش نمی‌توان یافت و برعکس، می‌توان همه امور را مصداق آن دانست) به اقامه نشدن اسلام پس از رسول خدا (ص) معتقد شده است (همان: ۱۳۶).

نکته مهم اینکه علی‌رغم چنین ادعاهایی درباره حاکمان معاصر، نام «آل سعود» در چاپ اول بازگشت به اسلام را در چاپ پنجم به بعد حذف کرده و با عبارت «کسانی از مسلمانان» جایگزین کرده است:

«واضح است کسانی از آل سعود که مسلمانان را به این جنگ‌ها دعوت می‌کنند، مفسد در زمین‌اند و قتل آنان، بر هر مسلمانی که متمکن از آن باشد، واجب است» (همان: ۶۹).

«واضح است کسانی که مسلمانان را به این جنگ‌ها تحریض می‌کنند، مفسد در زمین‌اند و قتل آنان، بر هر مسلمانی که متمکن از آن باشد، واجب است» (همو، ۱۴۳۵: ۶۹) (همچنین نک: <https://masaf.ir/masafoggh/post> :۳۶۵۲۲).

#### ۴. روایت «رایات سود»

یکی دیگر از اموری که منصور هاشمی در آثارش بدان اشاره و استناد می‌کند و البته پیش از او نیز محل توجه مدعیان بسیاری قرار گرفته، روایات مشهور به «رایات السود» است. وی با سوءاستفاده، این روایت را تأویل به خویشتن کرده، از قبیل چنین روایاتی ادعاهایش را مستند می‌کند؛ چنان‌که در پرسش و پاسخ شماره ۲۶۵ می‌گوید:

حتمی‌ترین نشانه ظهور امام مهدی (ع) ظهور مردی از خراسان بزرگ با پرچم‌های سیاه است که به سوی آل محمد (ص) فرامی‌خواند و برای حکومت امام مهدی (ع) زمینه‌سازی می‌کند و پرچم را با مسالمت یا غلبه از دیگران می‌گیرد و به او می‌رساند و شتافتن به سوی او اگرچه چهار دست و پا بر روی برف واجب است؛ زیرا روایتی که از آن خبر داده، متواتر است و قدیمی‌ترین، مشهورترین و صحیح‌ترین روایت رسیده از رسول خدا (ص)، صحابه و اهل بیت در باب ملاحم محسوب می‌شود ([www.alkhorasani.com/fa/content](http://www.alkhorasani.com/fa/content) :۸۵۳۹).

وی سپس بسیاری از کسانی که این روایات را در کتب خویش آورده‌اند برمی‌شمرد تا بر صحت آن تأکید کرده باشد. از سوی دیگر، می‌گوید صرف نظر از اینکه نشانه‌های مذکور در روایات

مختلف، برای ظهور امام مهدی یا خروج اوست، زمینه‌سازی برای ظهور و خروج او عقلاً و شرعاً ضرورت دارد. این به معنای آن است که ظهور پرچم‌های سیاه خراسانی به عنوان زمینه‌ساز موعود و حتمی ظهور و خروج امام مهدی (ع)، نمی‌تواند بعد از ظهور او واقع شود؛ چراکه وقوع آن بعد از ظهور او تحصیل حاصل است (همان).

همچنین، در مناهج الرسول آمده است که فردی به نام اتابک بن جمشید سُغدی از او پرسید: «آیا تو خراسانی هستی؟». او پاسخ داد: «من مردی از اهل خراسانم». بار دیگر پرسید: «مقصودم کسی است که برای حکومت مهدی زمینه‌سازی می‌کند!». فرمود: «من برای حکومت مهدی زمینه‌سازی می‌کنم!». مجدداً از او پرسید: «آیا پرچم را به مهدی می‌رسانی؟». گفت: «ان شاء الله». سپس مدعی این است که نامش در کتب پیشینیان آمده است (هاشمی خراسانی، ۱۳۹۷ ب: ۱۵۳ و ۱۵۴).

### بررسی و نقد

باید توجه داشت که بحث رایات سود یا پرچم‌های سیاه یکی از عناوینی است که در روایات فریقین نقل شده، اما با عبارات و مفاهیم مختلف، مثلاً برخی جنبه مدح و تعریف داشته و بعضی دیگر جنبه مذمت و تقبیح بر جریان ابومسلم خراسانی و زمینه‌سازی برای حکومت عباسیان. ظاهراً بعد از امام صادق (ع) روایتی در این زمینه از ائمه (ع) دیده نشده، و این خود شاهد بر پایان یافتن این ماجرا است. کهن‌ترین مصدر موجود حدیثی مشهور اهل سنت که به «رایات سود» اشاره کرده، مسند ابن حنبل است. او دو گزارش درباره رایات سود نقل می‌کند (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۴۱۶/۸). حاکم نیشابوری هم در المستدرک دو روایت در این باره نقل می‌کند (النیشابوری، ۱۴۱۱: ۵۱۰ و ۵۱۱). نکته مهم اینکه در مصادر اصلی حدیثی اهل سنت، فقط همین روایات نقل شده است.



همچنین، باید توجه داشت که کتاب الفتن، نگاشته نعیم بن حمّاد مروزی، اگرچه جزء کتاب‌های حدیثی مشهور اهل سنت نیست، ولی شاخص‌ترین کتاب در گزارش‌های «رایات سود» است. در کتاب نعیم بن حمّاد نزدیک به شصت گزارش درباره «رایات سود» وجود دارد که در دو گروه مجزاً ذکر شده است: «رایات سود» بنی عباس و «رایات سود» مرتبط با قیام امام مهدی (ع) (المروزی، ۱۴۲۴: ۱۶۳ و ۱۶۴). نکته در خور تأمل آنکه هرچند نعیم بن حمّاد مروزی با احمد بن حنبل با چند سال تقدّم زمانی، معاصر بوده، ولی هیچ‌یک از روایات و آثار کتاب او در مسند ابن حنبل و دیگر کتاب‌های کهن و معتبر اهل سنت نیامده است. ظاهراً مدرسه رسمی حدیث اهل سنت، رویکرد نعیم بن حمّاد را در نقل گزارش‌های مربوط به فتن و نشانه‌های ظهور نپذیرفته و آن را طرد کرده است (دانش‌نامه امام مهدی، ۱۳۹۳: ۶۴/۶ و ۶۵).

در مصادر شیعی نیز کهن‌ترین منبعی که به این روایات اشاره کرده، کتاب مناقب امیرالمؤمنین از محمد بن سلیمان کوفی است که البته سند در خور اعتمادی ندارد (آیتی، ۱۳۹۹: ۵۴). طبری نیز در کتاب دلائل الإمامة، در چهار روایت به مبحث (رایات سود) اشاره کرده (طبری، ۱۴۱۳: ۲۹۴ و ۴۴۲ و ۴۴۵ و ۴۴۶) و در این باره یک حدیث درباره ابومسلم خراسانی ذکر کرده (همان: ۲۹۴) که البته اینها نیز ضعف سندی دارند.

شیخ مفید هم در کتاب الإرشاد، در جمع‌بندی نشانه‌های ظهور، به «رایات سود» اشاره کرده است (مفید، ۱۴۱۳: ۳۱۹). شیخ طوسی هم، فقط یک حدیث و به نقل از نعیم بن حمّاد از امام باقر (ع) گزارش کرده است (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۵۲). در مصادر شیعی در مجموع دوازده روایت درباره رایات سود وجود دارد و در این مجموعه، فقط دو روایت از ارتباط خروج رایات سود با ظهور امام مهدی (ع) سخن گفته، و این دو روایت نیز جزء میراث روایی اهل سنت است که از طریق راویان سنی، به‌ویژه کتاب الفتن نعیم بن حماد، روایت شده است (صادقی، ۱۳۸۹:

۹۷ و ۹۸؛ آیتی، ۱۳۹۹: ۲۴۴). از سوی دیگر، روایات بسیاری هست که نشان می‌دهد احادیث روایات سود پیش‌گویی‌کننده حادثه خروج ابومسلم خراسانی است (برای تحلیل تاریخی این روایات نک: صادقی، ۱۳۸۹: ۱۱۷). از این رو طبق منظومه روایی امامان اهل بیت (ع)، خروج پرچم‌های سیاه حادثه‌ای است که در گذشته رخ داده و تمام شده و دلیلی بر تحققش در آینده وجود ندارد (آیتی، ۱۳۹۹: ۲۴۴). در جمع‌بندی مصادر شیعی می‌توان گفت، مصادر اصلی حدیثی شیعه، «روایات سود» را به عنوان نشانه ظهور گزارش نکرده‌اند. مصادر دیگر نیز معمولاً این متون را از طریق اهل سنت نقل کرده یا آن را بدون ارتباط با قیام مهدی مطرح کرده‌اند. نباید از نظر دور داشت که این اولین باری نیست که از این دست روایات سوءاستفاده می‌شود، چنان‌که در اوایل قرن دهم هجری محمد جونپوری برای همین منظور به خراسان سفر کرد، و یاران باب نیز به همین قصد به سمت خراسان حرکت کردند. اسماعیلیه نیز این روایات را مد نظر قرار دادند. دولت صفوی هم به تطبیق این روایات با حرکت خویش اقدام کرده است (فلاح علی‌آباد، ۱۳۹۷: ۲۳۲).

ذکر این نکته خالی از فایده نیست که توجه به نامی که وی برای خود برگزیده، یعنی «منصور هاشمی خراسانی»، خود نشانگر این مدعا است، چنان‌که بر حسب این نام‌گذاری، «منصور» یعنی یاری شده، و از تبار بنی‌هاشم و فردی خراسانی است؛ و هدف از آن یادآوری نشانه‌هایی است که در روایات از علائم پیش از ظهور شمرده شده است (برای بررسی این روایات نک: کورانی عاملی، ۱۳۹۹: ۶۸۱ به بعد؛ دانش‌نامه امام مهدی، ۱۳۹۳: ۴۴۵/۷ به بعد).

## ۵. مسئله تقلید و ولایت فقیه

یکی دیگر از مواضعی که هاشمی خراسانی در آن اظهار نظر کرده و مخالفت شدیدی با آن دارد، مسئله تقلید و ولایت فقیه است، که البته به دیدگاه‌های سیاسی‌اش در حاکمیت اسلامی برمی‌گردد. وی در کتاب بازگشت به اسلام می‌گوید:

یکی دیگر از گونه‌های رایج تقلید پیروی از گفته و کرده عالمان است، چراکه بیشتر مسلمانان کرده و گفته عالمان را در حکم شرع می‌پندارند و فرقی میان آن دو نمی‌شناسند، در حالی که مسلماً شرع گفته و کرده عالمان نیست، بلکه گفته و کرده خداوند است که با گفته و کرده عالمان ملازمه ندارد، و مطابقت آن دو با هم ذاتی نیست، چنان‌که عدم مطابقت بسیاری از گفته‌ها و کرده‌های عالمان با شرع معلوم است (هاشمی خراسانی، ۱۳۹۷ الف: ۴۶).

همچنین، می‌گویند عالمان نوعاً در تقلید خود مقلدند، چراکه برای آن دلیلی از شرع یا عقل نمی‌شناسند مگر توهمی که برای برخی از ایشان پدید آمده مبنی بر اینکه تقلید از عالمان از باب رجوع عاقلان به متخصص است (همان: ۴۸).

هاشمی خراسانی در قسمت دیگری از کتاب بازگشت به اسلام، مسلمانان را به علت اطاعت از ولی فقیه، مشرک، سفیه و کودکانی محجور می‌پندارد که به دلیل تبعیت بی‌چون و چرا از فردی غیرمعصوم، منشأ فتنه‌های گوناگون و مفساد بزرگی چون استبداد سیاسی می‌شوند. آنها مسلماً برای عالمان خود نماز نگزارده و روزه نگرفته‌اند، بلکه از آنها به جای خدا اطاعت کرده‌اند و این شرک است. انصاف آن است که اطاعت بی‌چون و چرا از کسانی که ممکن است خواسته یا ناخواسته برخلاف فرمان خدا و پیامبر فرمان دهند معقول نیست و نمی‌تواند واجب باشد؛ و این از مسائل واضح و ضروری در اسلام است (همان: ۴۹). وی اجتهاد را بر عموم مسلمانان واجب می‌داند و معتقد است تقلید از علما اتکا به غیریقینیات است. برای همین تقلید از آنها غیرمجزی است (همان: ۵۰).

### بررسی و نقد

در پاسخ به این مدعا باید گفت یکی از اهداف اساسی اسلام برای اجرای دستورهای قرآن کریم و پیامبر و ائمه (ع) تأسیس حکومت اسلامی است. بدون حکومت اسلامی امکان اجرای

دستورهای اسلام وجود ندارد. لذا در تعالیم اسلام از ولایت به عنوان زمام دین و نگه دارنده همه واجبات و مستحبات نام برده شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۸). در عصر غیبت صغری امام مهدی (عج) در توقیع شریف خود به اسحاق بن یعقوب به عنوان قاعده کلی فرمودند: «در پیشامدهایی که رخ می دهد به راویان احادیث ما مراجعه کنید، آنها حجت های من بر شمایند و من حجت خدا بر ایشان» (ابن حنبل، ۱۴۰۹: ۱۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۰/۲۷).

اما مسئله رجوع به فقیه در عصر غیبت کبری شکل دیگری به خود گرفت و دوراه احتیاط و تقلید باز شد و فقها و مجتهدان جامع الشرایط مسئولیت افتا و پاسخ گویی را به عهده گرفتند و خلأ و مشکل نداشتن دسترسی به امام معصوم را با حضور خود در عرصه اجتماع پر کردند. البته باید خاطر نشان کرد که پیشینه تقلید در مذهب شیعه از عصر امامان آغاز شد. آنها پیروانشان را به راویان حدیث و یاران نزدیک خود مانند زرارة بن اعین، یونس بن عبدالرحمان، ابان بن تغلب، ذکریا بن آدم و محمد بن مسلم ارجاع می دادند (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۰/۲۷؛ دانش نامه امام مهدی، ۱۳۹۳: ۲۳۵/۳).

البته، ادله قرآنی (از باب نمونه: اسراء: ۳۶؛ نحل: ۴۳؛ توبه: ۱۲۲)، نقلی و عقلی فراوانی در منابع معتبر شیعه وجود دارد که وجود حاکمان اسلامی بعد از پیامبر و ائمه (ع) را برای اجرای احکام و تحقق اسلام ثابت می کند. در روایات معتبری که از معصومان (ع) به دست ما رسیده، نیازمندی به علما و فقها محل توجه قرار گرفته و از ایشان با عناوینی همچون «حافظان دین»، «امینان پیامبر»، «جانشینان رسول الله»، «وارثان اسلام»، و «حصار محکم و حفاظت کننده آن» یاد شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۸؛ محدث النوری، بی تا: ۳۱۵/۱۷؛ خوئی، ۱۴۰۹: ۱۴۷؛ طاهری بآبادی، ۱۳۹۵: ۶۷). موسوی خمینی در این باره می گوید: «ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آنها موجب تصدیق می شود و چندان به برهان احتیاج ندارد، به این معنا که هر کسی عقاید و احکام اسلام را، حتی اجمالاً، دریافته باشد چون بر ولایت فقیه برسد و آن را به تصور آورد بی درنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت» (خمینی، بی تا: ۹).

## نتیجه

مدعیان دروغین مهدویت عموماً از روش‌های مشابهی در اثبات گفته‌های خویش یا جلب توجه مردم استفاده می‌کنند. یکی از این روش‌ها، سوءاستفاده از علائم ظهور است که در کتب روایی مکرر به آن اشاره شده است. مدعی معاصر، علی‌رضا بابایی آریا، که خود را زمینه‌ساز ظهور منجی معرفی کرده نیز از این روش بسیار بهره برده است، چنان‌که خود را «منصور» که از صفات امام عصر (عج) است و «هاشمی» که منسوب به قبیله بنی‌هاشم و تداعی‌گر تقدس اهل بیت (ع) است و نیز «خراسانی» که اشاره به قیام خراسانی و سید خراسانی دارد، نامیده است.

از دیگر نشانه‌های مدعیان این است که عموماً معتقدند اسلام از مبانی خویش دور شده و باید به دست این مدعیان اصلاح شود. منصور هاشمی، که خود را «علامه» نیز نامیده، می‌گوید اسلام راستین به انحراف رفته است؛ البته نه اکنون، بلکه بلافاصله بعد از رحلت پیغمبر، و فقط اوست که می‌تواند آن را به جایگاه اصلی‌اش بازگرداند. البته خاطر نشان می‌کند که این وظیفه خطیر را، هم بشخصه تشخیص داده، و هم از جانب خدا مأمور بر این کار شده است! او، بنا بر ادعای خویش، قصد بیداری مسلمانان جهان را دارد و از آنها می‌خواهد با مطالعه کتاب‌هایش و ایمان آوردن به او، که زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی (عج) است، بستر را برای ظهور آماده کنند. وی حکومت‌های فعلی جهان اسلام را غیر شرعی، غاصب و طاغوت می‌داند و به روی گردانی از تمامی آنها فرمان می‌دهد. در ادامه همین روند، به اصل ولایت فقیه حمله، و در آن تشکیک می‌کند.

نشانه دیگری که مدعیان دروغین بدان مبتلا هستند، مغالطاتی است که در اقامه دلیل در اثبات مدعا بیان می‌کنند. بر همین منوال، منصور هاشمی هم برای اثبات دعاوی‌اش، هیچ سند و مدرکی ارائه نمی‌دهد. توجه به این نشانه‌ها و رویکرد مدعیان بدانها می‌تواند در فهم عمیق‌تر و دقیق‌تر جریان‌های مرتبط با مهدویت و ترفندهای گزافه‌گویان بسیار مؤثر باشد و آگاهی و بصیرت جامعه را در مقابله با لطایف الحیل آنها افزایش دهد.

## منابع

- قرآن کریم.
- آیتی، نصرت الله (۱۳۹۹). تحلیل و بررسی روایات رایات السود، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۵۹). کمال الدین و تمام النعمة، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۰۹). احادیث المهدی (ع) من مسند احمد بن حنبل، اعداد: محمد جواد حسینی جلالی، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶). المسند، قاهره: دار الحديث، الطبعة الاولى.
- اسحاقیان، جواد (۱۳۸۸). پیچک انحراف، قم: بنیاد فرهنگي حضرت مهدی موعود (عج).
- پاک، محمدرضا (۱۳۸۵). «مهدویت در غرب اسلامی»، در: تاریخ اسلام، ش ۲۷، ص ۱۲۷-۱۵۸.
- جعفریان، رسول (۱۴۰۰). مهدیان دروغین، تهران: نشر علم.
- الحر العاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- خمینی، روح الله (بی تا). ولایت فقیه: حکومت اسلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۹). معجم رجال الحديث وتفصیل طبقات الرواة، قم: آیت الله العظمی الخوئی.
- رائین، اسماعیل (۱۳۵۷). انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی، تهران: مؤسسه تحقیقی رائین.
- صادقی، مصطفی (۱۳۸۹). تحلیل تاریخی نشانه های ظهور، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- صادقی، مصطفی (۱۳۹۹). «مهدویت در قرآن»، در: معارف کلامی شیعه (آموزه های اختصاصی)، تهران: سمت.
- الصالحی، الشیخ یاسر (۱۴۳۰). الامام مهدی فی البحار الانوار، نجف: بی نا.
- طاهری بابادی، محمدرضا (۱۳۹۵). رهیافت، مشهد: قدس رضوی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۳). دلائل الامامة، قم: بعثت.

- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱). الغیبة، قم: دار المعارف الاسلامية، الطبعة الاولى.
- فلاح علی‌آباد، محمد علی (۱۳۹۷). تأویل‌گرایی در انحرافات مهدویت، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). اصول کافی، تهران: دار الکتب الاسلامية، الطبعة الرابعة.
- کورانی عاملی، علی (۱۳۹۹). فرهنگ موضوعی احادیث امام مهدی، ترجمه: حسین نایینی، قم: جمکران.
- مجلسی، محمد باقر (بی‌تا). بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مجموعه نویسندگان (۱۳۹۳). دانش‌نامه امام مهدی، زیر نظر: محمد ری‌شهری، قم: دارالحدیث.
- مجموعه نویسندگان (۱۳۹۷). گزیده دانش‌نامه امام مهدی، زیر نظر: محمد ری‌شهری، قم: دارالحدیث.
- محدث النوری، الشیخ حسین (بی‌تا). مستدرک الوسائل، بی‌جا: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
- محمدی هوشیار، علی (۱۳۹۷). پرچم‌های تاریکی، قم: جمکران.
- محمدی هوشیار، علی (۱۳۹۹). توهم بازگشت، قم: اسماعیلیان.
- محمدی هوشیار، علی (۱۴۰۰). دکان‌های کاغذی: جریان‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت، قم: جمکران.
- المروزی، ابی عبد الله نعیم بن حماد (۱۴۲۴). الفتن والملاحم، قم: مکتبة الحیدری.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۸۷). «امام مهدی در قرآن کریم»، در: گفتمان مهدویت (سخنرانی‌های گفتمان اول و دوم)، قم: بوستان کتاب.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳). الارشاد، قم: کنگره شیخ مفید.
- ملکیان، محمد باقر (۱۳۹۹). «روایت دوازده امام»، در: گونه‌شناسی اندیشه موعود در ادیان، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷). الغیبة، تهران: صدوق.
- النیسابوری، ابو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله (۱۴۱۱). المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دار الکتب العلمیة.

- هاشمی خراسانی، منصور (۱۳۹۷ الف). بازگشت به اسلام، بلخ: دفتر حفظ و نشر آثار منصور خراسانی، چاپ پنجم.
- هاشمی خراسانی، منصور (۱۳۹۷ ب). مناہج الرسول، بلخ: دفتر حفظ و نشر آثار منصور خراسانی.
- هاشمی خراسانی، منصور (۱۳۹۷ ج). کلم الطیب، بدخشان: دفتر حفظ و نشر آثار منصور خراسانی.
- هاشمی خراسانی، منصور (۱۳۹۸). سبیل السلام، طالقان: دفتر حفظ و نشر آثار منصور خراسانی.
- هاشمی خراسانی، منصور (۱۴۳۵). بازگشت به اسلام، بلخ: دفتر حفظ و نشر آثار منصور خراسانی، چاپ اول.

- <https://masaf.ir/masafofogh/post/36522>
- [www.alkhorasani.com/fa/content/3016](http://www.alkhorasani.com/fa/content/3016)
- [www.alkhorasani.com/fa/content/8539](http://www.alkhorasani.com/fa/content/8539)



## References

- The Holy Quran
- A Group of Authors. 2014. Danesh-nameh Imam Mahdi (Encyclopedia of Imam Mahdi), Supervised by Mohammad Rey Shahri, Qom: Hadith House. [in Farsi]
- A Group of Authors. Gozideh Danesh-nameh Imam Mahdi (Excerpt from Imam Mahdi's Encyclopedia), Supervised by Mohammad Rey Shahri, Qom: Hadith House. [in Farsi]
- Al-Horr al-Aameli, Mohammad ibn Hasan. 1988. Wasael al-Shiah ila Tahsil Masael al-Shariah (The Means of the Shiites to Achieve the Issues of Sharia), Qom: Al al-Bayt (AS) Institute. [in Arabic]
- Al-Merwazi, Abu Abdollah Noaym ibn Hammad. 2003. Al-Fetan wa al-Malahem (Trials and Fierce Battles), Qom: Al-Heydari Press. [in Arabic]
- Al-Neysaburi, Abu Abdollah al-Hakem Mohammad ibn Abdollah. 1990. Al-Mostadrak ala al-Sahihayn, Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]
- Al-Salehi, Al-Sheikh Yaser. 2008. Al-Imam Mahdi Fi Behar al-Anwar (Imam Mahdi in Behar al-Anwar), Najaf: n.p. [in Arabic]
- Ayati, Nosratollah. 2020. Tahlil wa Barresi Rewayat Rayat Al-Sawd (Analysis and Review of the Traditions of Black Flags), Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [in Farsi]
- Eshaghiyan, Jawad. 2009. Pichak Enheraf (Deviation Ivy), Qom: Cultural Foundation of Promised Mahdi. [in Farsi]
- Fallah Ali Abad, Mohammad Ali. 2018. Tawilgerayi dar Enherafat Mahdawiyat (Interpretationism in Deviations of Mahdism), Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [in Farsi]
- Hashemi Khorasani, Mansur. 2013. Bazgasht be Islam (Return to Islam), Balkh: Department of Preservation and Publication of Mansour Khorasani's Works, First Edition. [in Farsi]
- Hashemi Khorasani, Mansur. 2018 a. Bazgasht be Islam (Return to Islam), Balkh: Department of Preservation and Publication of Mansour Khorasani's Works, Fifth Edition. [in Farsi]
- Hashemi Khorasani, Mansur. 2018 b. Manahej al-Rasul (The Teachings of the Prophet), Balkh: Department of Preservation and Publication of Mansour Khorasani's Works. [in Arabic]
- Hashemi Khorasani, Mansur. 2018 c. Kalem al-Tayyeb (Pure Speech), Badakhshan: Department of Preservation and Publication of Mansour Khorasani's Works. [in Arabic]

- Hashemi Khorasani, Mansur. 2019. Sobol al-Salam (Ways of Peace), Taleghab: Department of Preservation and Publication of Mansour Khorasani's Works. [in Arabic]
- Ibn Babewayh, Mohammad ibn Ali. 1980. Kamal al-Din wa Tamam al-Nemah (Completion of the Religion and Perfection of the Grace), Tehran: Islamic Books House. [in Arabic]
- Ibn Hanbal, Ahmad ibn Mohammad. 1988. Ahadith al-Mahdi (AS) men Mosnad Ahmad ibn Hanbal (Hadiths of Mahdi (AS) from Mosnad Ahmad ibn Hanbal), Prepared by Mohammad Jawad Hoseyni Jalali, Qom: Qom Seminary Teachers Association. [in Arabic]
- Ibn Hanbal, Ahmad ibn Mohammad. 1995. Al-Mosnad, Cairo: Hadith House, First Edition. [in Arabic]
- Jafariyan, Rasul. 2021. Mahdiyan Dorughin (False Mahdis), Tehran: Spread of Science. [in Farsi]
- Khomeini, Ruhollah. n.d. Welayat Faghih: Hokumat Islami (Governance of the Jurist :Islamic Government), Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [in Arabic]
- Khoyi, Sayyed Abu al-Ghasem. 1988. Mojam Rejal al-Hadith wa Tafsil Tabaghat al-Rowat, Qom: Grand Ayatollah Khoyi. [in Arabic]
- Kolayni, Mohammad ibn Yaghub. 1986. Osul Kafi, Tehran: Islamic Books House, Fourth Edition. [in Arabic]
- Kurani Aameli, Ali. 2020. Farhang Mozui Ahadith Imam Mahdi (Subject Index of Traditions on Imam Mahdi), Translated by Hoseyn Nayini, Qom: Jamkaran. [in Farsi]
- Majlesi, Mohammad Bagher. n.d. Behar al-Anwar (Oceans of Lights), Beirut: Arabic Heritage Revival House. [in Arabic]
- Malekiyan, Mohammad Bagher. 2020. "Rewayat Dawazdah Imam (Narration of Twelve Imams)", in: Typology of Promised Thought in Religions, Qom: University of Religions and Denominations. [in Farsi]
- Marefat, Mohammad Hadi. 2008. "Imam Mahdi dar Quran Karim (Imam Mahdi in the Holy Quran)", in: Mahdi Discourse (Speeches of the First and Second Discourses), Qom: Garden Book. [in Farsi]
- Mofid, Mohammad ibn Mohammad ibn Noman. 1992. Al-Ershad (Guidance), Qom: Sheikh Mofid Congress. [in Arabic]

- Mohaddeth Nuri, Sheikh Hosayn. n.d. Mostadrak al-Wasael, Qom: Al al-Bayt (AS) Institute for the Revival of Heritage. [in Arabic]
- Mohammadi Hoshyar, Ali. 2018. Parcham-hay Tariki (Flags of Darkness), Qom: Jamkaran. [in Farsi]
- Mohammadi Hoshyar, Ali. 2020. Tawahhom Bazgasht (The Illusion of Return), Qom: Ismail- iyan. [in Farsi]
- Mohammadi Hoshyar, Ali. 2021. Dokkan-hay Kaghazi: Jaryanshenasi Moddaiyan Dorughin Mahdawiyat (Paper Shops: Historical Analysis of False Claimants of Mahdism), Qom: Jamkaran. [in Farsi]
- Nomani, Mohammad ibn Ibrahim. 2018. Al-Ghaybah (Occultation), Tehran: Sadugh. [in Arabic]
- Pak, Mohammad Reza. 2006. "Mahdawiyat dar Gharb Islami (Mahdism in the Islamic West)", in: History of Islam, no. 27, pp. 127-158. [in Farsi]
- Rain, Ismail. 1978. Ensheab dar Bahaiyat pas Az Marg Shoghi Rabbani (The Split in Bahaism after Shoghi Rabbani's Death), Tehran: Rain Research Institute. [in Farsi]
- Sadeghi, Mostafa. 2010. Tahlil Tarikhi Neshaneh-hay Zohur (Historical Analysis of Signs of Emergence), Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [in Farsi]
- Sadeghi, Mostafa. 2020. "Mahdawiyat dar Quran (Mahdism in the Quran)", in: Theological Teachings of Shia (Specific Teachings), Tehran: Samt. [in Farsi]
- Tabari, Mohammad ibn Jarir. 1992. Dalael al-Imamah (Reasons for Imamate), Qom: Bethat. [in Arabic]
- Taheri Babadi, Mohammad Reza. 2016. Rahyaf (Approach), Mashhad: Razawi Qods. [in Farsi]
- Tusi, Mohammad ibn al-Hasan. Al-Ghaybah (Occultation), Qom: Islamic Knowledge House, First Edition. [in Arabic]
- <https://masaf.ir/masafofogh/post/36522>
- [www.alkhorasani.com/fa/content/3016](http://www.alkhorasani.com/fa/content/3016)
- [www.alkhorasani.com/fa/content/8539](http://www.alkhorasani.com/fa/content/8539)